

جلوه ای از آیات قرآن در غزلیات بیدل دهلوی

مریم جعفرزاده^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

با سیری در آثار منظوم و منثور فارسی در می‌یابیم که تأثیر قرآن در ادب فارسی بسیار گسترده - است. در دوره‌های مختلف شعر فارسی، شاعران به شیوه‌های گوناگونی از آیات قرآن بهره‌مند شده‌اند. سبک هندی، بستری مناسب برای رونق غزل به شمار می‌آید. عبدالقادر بیدل دهلوی با سرودن شمار فراوانی غزل، یکی از معروف‌ترین شاعران سبک هندی و پیشرو در غزل سرایی است که به تغزل، توسعه صوری و معنایی بخشید. تفاوت عمده غزل سرایی وی با دیگر غزل گوینان بزرگ سبک هندی، جنبه توحیدی و عرفانی آثار اوست بیدل دهلوی از جمله شاعرانی است که در شعر خویش به آیات قرآنی نظر داشته‌است. در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است به جلوه‌ای از آیات قرآن در غزلیات بیدل دهلوی پرداخته شد که می‌تواند در زمینه شناخت ابعاد شعر بیدل و میزان تأثیرپذیری شاعر از قرآن، سودمند باشد.

کلید واژه‌ها: بیدل دهلوی، شعر فارسی، آیات قرآن، سبک هندی.

^۱ E.mail: mj.hh.lit@gmail.com

مقدمه

ابوالمعالی میرزا عبدالقادر (و. ۱۰۵۴ ه. ق) متخلص به بیدل، در هند متولد شد. اصل او از ترکان جغتایی برلاس یا ارلاس است. وی بیشتر عمر خود را در شاهجهان آباد به عزلت گذراند. اواخر عمر را در دهلی سپری کرد و سرانجام در هفتاد و ونه سالگی در دهلی درگذشت و در صحن خانه خود به خاک سپرده شد.

بیدل دهلوی را می‌توان یکی از شگفتی‌های قلمرو شعر و ادب فارسی در بیرون از مرزهای تاریخی آن دانست که به یمن حضور این زبان در سرزمین رازآلود و جادویی هند، با آفرینش مضامین و تصاویر بدیع ادبی، به حق رستاخیز کلمات را رقم زده است. او برای آشنایان با فرهنگ ایرانی نامی آشنا و برای دل‌باختگان ادب پارسی چهره‌ای ممتاز است، چراکه منعکس‌کننده‌ی اکثر اندیشه‌ها و عقاید و مضامین شعری مطرح‌شده در سبک هندی - چه شعرای ایرانی مقیم هند و چه شعرای بومی هند - بوده و به عبارت دیگر جامع جمیع تمامی شعرای این سبک به شمار می‌آید. نظم و نثر بیدل هم به عرفان شاعرانی چون سنایی، عطار، مولانا، حافظ و ... ره می‌برد و هم سرشار از تجربه‌های عاشقانه‌ای است که نشانه‌های پرشمار آن در سراسر دیوان او به چشم می‌خورد. از بیدل آثار بسیاری به نظم و نثر است.^۱ او یکی از پرشعرتین شاعران سبک هندی است. در این مقاله با نگاهی به غزلیات بیدل، تلمیحات و اشارات قرآنی در غزل او بیان می‌گردد. در اینجا ضمن اشاره به ابیات به ذکر آیات قرآن پرداخته می‌شود.

بگذر ز مقامات و خیالات فضولی داغ «ارنی» جز به سر طور نباشد

(ج ۲، ص ۷۹۹)

ای ذوق فضولی ز خود انداخته دورت از خانه هوای ارنی برده به طورت

(ج ۱، ص ۲۹۷)

ذوق وصلی که به امید دلی خوش می‌کرد لن ترانی شد و در آتش طورم افکند

(ج ۲، ص ۷۵۸)

در بیت اول و دوم آوردن واژه «ارنی» و در بیت سوم واژه‌ی «لن ترانی» اقتباس به آیه قرآن دارد: «... وَ كَلِمَةً رَبُّهُ قَالَ رَبِّ ارْنِي أَنْظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي ...»: ... و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم؛ فرمود: هرگز مرا نخواهی دید... (اعراف: ۱۴۳). اقتباس بیدل در این قسمت بسیار کوتاه و در حد یک کلمه است.

۱. ر.ک: دائرة المعارف فارسی؛ لغتنامه دهخدا، «ذیل بیدل»

جلوه ای از آیات قرآن در غزلیات بیدل دهلوی ۱۶۳

بیدل پیام وصل به حرمان رساندنی است موسی برون پرده ندیدن شنید و بس
(ج ۲، ص ۸۶)

با هیچ کس حدیث نگفتن نگفته‌ام در گوش خویش گفته‌ام و من نگفته‌ام
(ج ۲، ص ۹۸۳)

موسی اگر شنیده هم از خود شنیده است انی انا اللهی که به ایمن نگفته‌ام
(ج ۲، ص ۹۸۳)

در این ابیات تلمیح به داستان حضرت موسی (ع) و آیه قرآنی فوق دیده می‌شود.
دارد زیانگاه جسد تشویش حبل من مسد زین کافرستان جسد بگریز ایمان در بغل
(ج ۲، ص ۹۵۹)

در این بیت اقتباس به آیه قرآن دیده می‌شود: «فِی جِیْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ»: بر گردنش طنابی از
لیف خرماست (مسد: ۵)

ز مشّت خاک غیر از سجده کاری بر نمی‌آید عبادت کن، عبادت کن، عبادت کن، عبادت کن
(ج ۲، ص ۱۲۱۱)

مصراع اول بیت فوق به خلقت انسان از خاک و آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ
تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»: در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را
از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت باش، پس وجود یافت. (آل عمران: ۵۹) تلمیح دارد. در بیت به مفهوم
آیه «فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا»: پس خدا را سجده کنید و بپرستید. (النجم: ۶۲) نیز اشاره رفته است.
بگذار که در پرده مهلتکده جسم طوفان نفسی راست نماید به تنورت
(ج ۱، ص ۲۹۷)

بیت، تلمیح به داستان حضرت نوح (ع) و اشاره به آیه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ...»: تا آن‌گاه
که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد... (هود: ۴۰) دارد.

بیدل این بار امانت به زمین سود سرت تا کجا جامه معشوق به بر خواهی داشت
(ج ۱، ص ۳۳۸)

از عاریت هر چه بود، عار گزینید مسرور امانات جهول است و ظلوم است
(ج ۱، ص ۲۹۹)

ابن ابیات به مفهوم «بار امانت» و آیه زیر اشاره و تلمیح دارد.
«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»: ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه

کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری نادان بود. (احزاب: ۷۲)

پیام عشق به گوش هوس مخوان بیدل سخن اگر سخن اوست جز کلام تو نیست
(ج ۱، ص ۳۳۸)

در بیت زیر به آیات «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»: و از سر هوس سخن نمی گوید* این سخن به جز وحیی که وحی می شود، نیست (نجم: ۴-۳) اشاره دارد.
به جراحت دل ناتوان ستم است دیده گشودنم که قیامتی است شش جهت ز تبسم نمکینی ات
(ج ۱، ص ۴۱۴)

در این بیت شاعر به زیبایی تمام، با بیانی عارفانه به آیه «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»: و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست؛ آری خدا گشایشگر داناست (بقره: ۱۱۵) تلمیح دارد.
در ادبیات فارسی به مفهوم «الست» اشارات بسیاری شده است. بیدل نیز به این مفهوم اشاره داشته است:

ای غافل از آرایش هنگامه‌ی تجدید هر دم زدنت آینه‌ی صبح الست است
(ج ۱، ص ۴۱۹)

«وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»: و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستند؟ گفتند: چرا، گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم. (اعراف: ۱۷۲)

مکر زاهد ابلهان را سرخط درس ریاست سامری تعلیم باطل می کند گوساله را
(ج ۱، ص ۸۹)

نام سامری سه بار در قرآن کریم در سوره طه آیات (۸۵، ۸۷، ۹۵) آمده است. این بیت اشاره به رواج گوساله پرستی در میان قوم بنی اسرائیل توسط سامری دارد.

در گوش دل ز شش جهت بانگ ارجعی است نشنیده قصه‌ای برو اکنون ز ما شنو
(ج ۱، ص ۱۲۷۵)

بیت به آیه «ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً»: خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد. (فجر: ۲۸) اشاره دارد. واژه‌ی ارجعی در بیت اقتباس به آیه دارد.

این زمان عرض کمالت فکر آب و نان بس است آدمیت داشتی در کار گندم کرده‌ای

(ج ۲، ۱۳۴۷)

بیت تلمیح دارد به داستان حضرت آدم(ع) و آیات: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ * فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»: و گفتیم ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت گیر[ید] و از هر کجای آن خواهید، فراوان بخورید و[لی] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود. پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند و از آن چه در آن بودند، ایشان را به درآورد و فرمودیم: فرود آید. شما دشمن همدیگر هستید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی بر خورداری خواهد بود. (بقره: ۳۵-۳۶)

به کارگاه تعیین که لاشریک له است خلل اگر فکند اشتراک می فکند

(ج ۲، ص ۷۵۳)

«لا شریک له» در مصراع اول اقتباس از آیه‌ی: «لا شَرِیکَ لَهُ...»: [که] او را شریکی نیست... (انعام: ۱۶۳) است.

صمدی لیک در این انجمن عجز نگاه به چمن سازی آثار صنم می آیی

(ج ۲، ص ۱۳۱۱)

جز ذات احد نیست چه تشبیه و چه تنزیه خواهی صنم ایجاد کن و خواه صمد گیر

(ج ۲، ص ۸۲۴)

این ابیات به صفات خداوند و آیات سوره توحید اشاره دارد: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ»: بگو اوست خدای یگانه * خدای صمد [ثابت متعالی] (توحید: ۲-۱)

چه حدوث و کو قدم زمان، چه حساب کون و کجا مکان همه یک اشاره‌ی کن فکان نه شهری و نه سنینی‌ات

(ج ۱، ص ۴۱۴)

خروش کن فیکون در خم ازل ازلی است نوای کس به خرابات های و هوی تو نیست

(ج ۱، ص ۳۳۸)

این بیات به مفهوم «کن فیکون» که در آیات قرآنی از جمله آیه زیر آمده است، اشاره دارد: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»: ما وقتی چیزی را اراده کنیم همین قدر به آن می‌گوییم باش بی‌درنگ موجود می‌شود. (نمل: ۴۰)

ای غنا شیفته با این دل راحت محتاج فخر مفروش گدایی است که من می‌دانم

(ج ۲، ص ۹۸۰)

به نظر می‌رسد شاعر در سرودن این بیت به آیه‌ی «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» و [گرنه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید (محمد: ۳۸) نظر داشته است.

بود عمری به برم دلبر و نگشوده نقاب بیدل این نیز ادایی است که من می‌دانم
(ج ۲، ص ۹۸۰)

بیت تلمیح به آیه قرآنی زیر دارد: «...وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»: ... و ما از شاه‌رگ [او] به او نزدیک‌تریم (ق: ۱۶)

دل صید عشق است محکوم کس نیست الحکم لله والملك لله
(ج ۲، ص ۱۲۸۸)

این بیت به آیات «...وَاللَّهُ مُلْكُ...» و فرمانروایی از آن خداست (النور: ۴۲) و آیه «...فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ» پس [امروز] فرمان از آن خدای والای بزرگ است (غافر: ۱۲) اشاره دارد.
نه به فهم تاب رسیدنی، نه به دیده طاقت دیدنی دل خلق و هرزه تپیدنی به خیال جلوه کمین‌ات
(ج ۱، ص ۴۱۴)

این بیت به آیه «...لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ...»: چشم‌ها او را در نمی‌یابند (انعام: ۱۰۳) تلمیح دارد.
تو آفتاب و جهان جز به جستجوی تو نیست بهار در نظرم غیر رنگ و بوی تو نیست
(ج ۱، ص ۳۳۸)

مصرع دوم بیت اشاره به آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»: این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا و ما او را پرستندگانیم (بقره: ۱۳۸) دارد.

نتیجه گیری

با سیری در آثار منظوم و منثور فارسی در می‌یابیم که تأثیر قرآن در ادب فارسی بسیار گسترده - است. در دوره‌های مختلف شعر فارسی، شاعران به شیوه‌های گوناگونی از آیات قرآن بهره‌مند شده‌اند. سبک هندی، بستری مناسب برای رونق غزل به شمار می‌آید. عبدالقادر بیدل دهلوی با سرودن شمار فراوانی غزل، یکی از معروف‌ترین شاعران سبک هندی و پیشرو در غزل سرایی است که به تغزل، توسعه صوری و معنایی بخشید. تفاوت عمده غزل سرایی وی با دیگر غزل‌گویان بزرگ سبک هندی، جنبه توحیدی و عرفانی آثار اوست بیدل دهلوی از جمله شاعرانی است که در شعر خویش به آیات قرآنی نظر داشته‌است.

شعر بیدل سرشار از فنون شعری، تنوع تصاویر و استعاره‌های غریب است. بیدل با کنایه‌ای بسیار زیبا و برگرفته از ادبیات ناب جایگاه ولی (علی [ع]) را آن‌چنان والا و منبع معرفی نموده که جهان را در برابر ایشان شرم‌سار نشان داده است. بیدل بر این باور است که اگر خورشید نیز از ساغر اعتدال جامی کشد هیچ‌گاه فروغ و نور کمالش دچار زوال نگردد و بی‌گمان هر کسی که از عدل بیگانه باشد هیچ‌گاه به اسرار تحقیق، واصل نمی‌گردد.

در شعر بیدل اشارات قرآنی بیشتر در حد تلمیح است. و اغلب در جهت بیان مفاهیم عارفانه به کار رفته است. اقتباسات بیدل از قرآن بسیار کوتاه و در حد یک، دو کلمه است.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۸۱)، ترجمه مهدی فولادوند، چاپ دوم، قم: چاپخانه دارالقرآن کریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).
۲. بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۶)، دیوان، به تصحیح اکبر بهداروند، تهران: انتشارات نگاه.
۳. — (۱۳۴۴)، کلیات، به تصحیح خالد محمد خسته و دیگران، ج ۲، کابل: ریاست دارالتألیف وزارت علوم افغانستان.
۴. شنی آرانی، ماشالله (۱۳۸۳)، تجلّی قرآن و معارف اسلامی در اشعار بیدل دهلوی، چاپ دوم، تهران: نشر هستی نما. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، شاعر آیین‌ها، تهران: نشر آگاه.
- مصاحب، غلامحسین (۱۳۷۸)، دائرة المعارف فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

